

نصیبات قضائی

۱ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۱۹۲۴}{۳۹/۱۱/۱۰}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

« منظور از اولین جلسه دادرسی آنچنان جلسه ایست که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد و اگر بجهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمی گردند».

کسی دادخواستی بطرفیت یکنفر بخواسته ۸۳۱۶ دلار مقوم بمبلغ ۶۱۲۷۰۰ ریال بداد گاههای شهرستان تقدیم و خلاصه چنین توضیح داده که بموجب دوبرگ صورت حساب ۴۲ عدد صندوق چراغ توری بیکنفر در اتریش سفارش داده فروشنده هم کالا را بسته بندی کرده و برای خریدار بایران فرستاده و کالای مزبور بموجب دو برگ بیمه نامه نزد یکی از شرکتهای بیمه در قبال حریق و غیره بیمه بوده و وجه بیمه هم پرداخته شده بعد از حمل کالا بسمت ایران کشتی تایپان که کالا با آن حمل شده بوده در حوالی جزیره بحرین با یک تانکر ایتالیائی تصادف و کالا سوخته و از بین رفته و جریان شرکت بیمه اطلاع داده شده و با وجود ارسال اظهارنامه شرکت حاضر پرداخت نشده است و درخواست کرده دادگاه شرکت خوانده را ملزم بپرداخت خواسته و خسارات وارده بنماید - شعبه هفتم دادگاه شهرستان تهران با حضور وکیل خواهان و وکیل شرکت خوانده وارد در رسیدگی شده و ضمن رد ایراد وکیل خوانده در باب عدم اهلیت خواهان در اقامه دعوی بمناسبت واگذار کردن حق خود بدیگری ایراد دیگر وکیل خوانده را در قسمت مرور زمان با استناد قانون بیمه و در نظر گرفتن تاریخ وقوع حادثه و تاریخ طرح دعوی وارد دیده و دعوی اقامه شده را بعلت مرور زمان رد نموده و بر اثر پژوهش خواهی خواهان شعبه دوازدهم دادگاه استان قرار مزبور را تأیید و از این رای فرجام خواسته شده شعبه ششم دیوانعالی کشور در جلسه ۳۸/۱۲/۱۵ بدرخواست فرجامی رسیدگی و استدلال دادگاه را باینکه جلسه ۳۸/۳/۱۲ جلسه اول دادرسی بوده و در آن جلسه ایراد مرور زمان شده است صحیح ندانسته و بعنوان اینکه جلسه اولی ۳۷/۷/۳۰ بوده و در آن جلسه راجع باعتبار وکالت نامه وکیل فرجام خوانده بحث شده و بالاخره جلسه تجدید شده و در جلسه اولی در مورد مرور زمان ایرادی بعمل نیامده است و رای دادگاه مطابق محتویات پرونده نیست آنرا مخدوش تلقی و با نقض رای رسیدگی مجدد را بشعبه صادر کننده قرار ارجاع نموده بعداً شعبه دوازدهم دادگاه استان بشرح رای فرجام خواسته بجهتیکه در رای خود بان استناد کرده و بخلاصه اینکه جلسه مورخه ۳۷/۷/۳۰ دادگاه بدوی بر اثر ایراد وکیل خواهان بوکالت وکیل خوانده بتراضی طرفین تجدید شده و جلسه ۳۷/۹/۳۰ هم که باز همان ایراد

تصمیمات قضائی

وکیل خواهان بوکالت وکیل و سمت مدیر شرکت مطرح بوده بواسطه انقضای وقت با اعلام محفوظ بودن حق ایرادات تجدید گردیده و وقت دیگر هم که تاریخ آن ۳۷/۱۲/۱۶ بوده ایراد وکیل خواهان بوکالت وکیل رد و در این جلسه وکیل خواننده اصول مدارک را خواسته و وکیل خواهان برای ارائه اصول اوراق درخواست تجدید جلسه کرده وکیل خواننده هم بشرط اینکه ایرادات و دفاع او محفوظ باشد با تجدید جلسه موافقت و در جلسه مجدد که دادرسی صورت گرفته در واقع جلسه اولی دادرسی بوده ایراد مرور زمان شده است که بر موقعت آن ایرادی وارد نیست بنا بجهات مرقومه استدلال دادگاه بدوی را در قسمت شمول مورد ماده ۳۶ قانون بیمه موجه دانسته و آنرا تأیید نموده وکیل خواهان بعد از رؤیت رأی بطوریکه در مقدمه گزارش اشاره شده از آن فرجامخواسته و در لایحه مشروح و مفصل خود که موقع طرح پرونده قرائت خواهد شد خلاصه اعتراض کرده همانطوریکه دیوانعالی کشور تشخیص داده جلسه اولی دادرسی ۳۷/۷/۲ بوده و تجدید آن جلسه بشهادت محتویات پرونده بتراضی نبوده است و در جلسه ۳۷/۹/۳۰ هم خود دادگاه ایراد کرده و وکالت نامه وکیل طرف را ناقص تشخیص و دستور داده مراتب بشرکت خواننده اخطار شود در صورتیکه دادگاه مکلف بوده در همان جلسه ۳۷/۷/۳۰ وارد رسیدگی شده و رأی خود را صادر نماید و عمل دادگاه بدوی در تجدید جلسه بر خلاف ماده ۱۲۷ قانون آئین دادرسی و دادگاه حق نداشته بدون وجود تراضی جلسه را تجدید نماید و دادگاه ملزم بوده اظهارات طرفین را استماع نماید و راجع بحفظ حق ایراد هم دادگاه که بان تکیه کرده علی الاصول حق فقط ایراد را برای هیچیک از طرفین دعوی ندارد و اینکه دادگاه در بند چهارم قرار نوشته در وقت دیگر ایراد وکیل خواهان راجع بوکالت وکیل رد شده و وکیل خواننده ملاحظه اصول اوراق را خواسته و درخواست تجدید وقت کرده وکیل خواننده با شرط بقاء حق ایرادات موافقت کرده صحیح نبوده و در قسمت ابراز اصول اوراق برخلاف آنچه محکمه در قرار نوشته اظهار داشتیم ابراز اصول در جلسه سوم دادرسی موردی نداشته و موجبی برای انجام این تقاضا نیست ولی دادگاه رأساً قرار ابراز اصول را داده و اظهار داشته حال که چنین تصمیمی از طرف دادگاه گرفته شده چون قسمتی از اصول اوراق حاضر نیست بعداً ابراز خواهم کرد و موقعی که طرف درخواست اصول اسناد را مینماید این تقاضا در واقع ورود در ماهیت دعوی و اعتراض زیر ایرادات دیگر از جمله مرور زمان است و خواسته اصول مدارک برای انکار یا تردید است و ملازمه بادعوی مرور زمان ندارد که خواسته باشد بعد از ملاحظه اوراق به مرور زمان ایراد کند بهر حال تشخیص دادگاه را در جلسه اولی دادرسی و صدور قرار را بکیفیت مندرجه در آن برخلاف قانون اعلام و درخواست نقض آنرا نموده و با ابلاغ نسخه دوم دادخواست فرجایی ولایحه اعتراضی بوکیل خواننده و وصول پاسخ رسیدگی بشعبه ششم دیوانعالی ارجاع گردیده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور در تاریخ ۲۵ آبانماه ۱۳۳۹ بریاست رئیس کل دیوانعالی کشور و با حضور معاون اول دادستان کل کشور و آقایان رؤساء و مستشاران شعب .

تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده مربوط و مذاقه در آن با کسب نظریه

تصمیمات قضایی

آقای معاون اول دادستان کل مبنی بر نقض رأی فرجام خواسته مشاوره نموده با کثرت بشرح زیر رأی میدهند :

رأی هیئت عمومی - بر حسب مفهوم و مستفاد از مواد ۱۲۳ و ۱۲۶ و ۱۴۴ تا ۱۴۷ آئین دادرسی مدنی منظور از اولین جلسه دادرسی آنچهان جلسه ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد بدیهی است در صورتیکه بجهتی از جهات جلسه مزبور تجدید شود جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمیگردند در مورد بحث نیز بشرح برونده اولین جلسه سی ام مهرماه/ ۱۳۳۷ بوده که در آن جلسه راجع باعتبار وکالتنامه وکیل شرکت سهامی بیمه بازرگانان بحث شده و ایراداتیکه میبایست مطابق موازین قانونی در جلسه اولی اظهار گردد باید در همین جلسه اظهار شود و استدلال دادگاه بشرح قرارمورد تقاضای فرجام که جلسه مزبور جلسه اولی نبوده و جلسه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۳۸ جلسه اولی است صحیح نیست و قبول ایراد در جلسه اخیرالذکر بر خلاف ماده ۲۰۴ آئین دادرسی بوده و بجهت مرقومه قرار فرجام خواسته مخدوش است و با کثرت آراء وفق ماده ۵۵۹ آئین دادرسی مدنی شکسته میشود و رسیدگی مجدد با دادگاه صادرکننده قرار خواهد بود و دادگاه مزبور مکلف است که مطابق ماده ۵۷۶ آئین دادرسی مدنی از نظر دیوانعالی کشور (هیئت عمومی) رفتار نماید . -

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی